

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## حدیث قرطاس و شبهه «قوموا عنی» در کلام پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) (۲)

برنامه حبل المتین - ۳۰ آذر ۱۳۹۳

### مجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابری شدم به نیت باران شدن فقط

مور آدمم برای سلیمان شدن فقط

باید زگوشه ی چشم تو کاری بزرگ خواست

چیزی شبیه حضرت سلمان شدن فقط

باید به شیعه بودن خود افتخار کرد

راضی نمی شوم به مسلمان شدن فقط

دنیای دیگری است اسیری و بردگی

آن هم به دامن زلف کریمان شدن فقط

لایمکن الفرار ز تیر نگاه تو

چاره رسیدن است و قربان شدن فقط

در خانه ی کریم کفایت نمی کند

یک لقمه نان گرفتن و مهمان شدن فقط

این لطف فاطمه است و عشق است تا ابد

سر مست از نوای حسن جان شدن فقط

فکری برای پر زدن بال من کنید

من را اسیر زلف امام حسن کنید

آقا شنیده ام جگرت شعله ور شده

بی کس شدی و ناله ی تو بی اثر شده

پیش حسین سرفه مکن آه کم بکش

خون لخته های روی لب بیشتر شده

یک چشم خواهرت به تو و یک چشم بین تشت

تشت مقابلت پر خون جگر شده

ای وای از مصیبت تابوت و دفن تو

وای از هجوم و تیر و تن و چشم تر شده

می گفت با حسین ابوالفضل وقت دفن

این تیرها برای تنش دردسر شده

موی سپید و کوچه و تابوت و زهر و تیر

دوران غربت حسن اینگونه سر شده

یک کوچه بود و موی حسن را سپید بود

یک اتفاق بود که او را شهید کرد

اللهم صل على فاطمه و ابيها و بعلمها و بنبيها و سر المستودع فيها بعدد ما احاط به علمك.

درود و سلام و ارادت خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند شبکه ی جهانی ولایت همراه خوب و برزگوار برنامه ی زنده ی حبل المتین. درود و سلامم را بپذیرید هر جای ایران اسلامی و هر جای این کره ی خاک هستید.

همچنین عرض تسلیت و تعزیت به مناسبت روزی که پشت سر گذاشتیم روزی که زمینیان و آسمانیان در ماتم هستند در غم از دست دادن رحلت نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین شهادت سبط اکبرش کریم اهل بیت و غریب مدینه آقا امام حسن مجتبی علیه السلام و همچنین پیشاپیش عرض تسلیت و تعزیت دارم شهادت ولی نعمتان ما هل ایران سلطان سریر ارتزاق آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام که روزهای پایانی ماه صفر هست.

قبول باشد ان شالله عزاداری هایتان امیدوارم که مزد این عزاداری های دو ماهه تان را از دستان حضرت فاطمه زهرا صدیقه ی شهیده بگیرید اجر و مزدتان را از دستان پیغمبر گرامی اسلام بگیرید.

ان شالله که قبول باشد همه ی عزاداری ها و عشق ها و ارادت ها و محبت هایی که نسبت به ساحت اباعبدالله و اهل بیت عصمت و طهارت نشان داده اید خداوند متعال را شاکریم که عمری داد در مقابل نگاه مهربان شما قرار گرفتیم برنامه ی زنده ی حبل المتین را تقدیم حضورتان می کنیم

از همین ابتدای برنامه اگر می خواهید حرف دلی با ما بزنید درد دلی داشته باشید نمی دانم چی می خواهید بگویید از کجا بگوید از عشق و اراداتان به امام مجتبی، از مظلومیت و غربت پیغمبر گرامی و امام مجتبی و هر آنچه که دل تنگتان میخواهد می توانید با ما ارتباط داشته باشید از طریق پیام کوتاه ۳۰۰۰۱۲۰۳ برای عزیزانمان در ایران اسلامی و همچنین پیامک بین المللی شبکه ی جهانی ولایت، خیلی خوشحال می شویم که شما لطف کنید با دستان مهربانتان پیامک بدهید

من هم قول می دهم ان شالله در فواصل برنامه تو آن مقداری که حالا وقتمان اجازه می دهد پیامک های شما را بخوانم و ان شالله از اشعارتان از مطالبتان از حرف های دلان استفاده خواهیم کرد و البته مثل همیشه بخشی از برنامه هم اختصاص خواهد داشت به تلفن های شما که به موقع دوستانم زحمت می کشند و زیر نویس می کنند می توانید تماس بگیرید وان شالله صدایتان را بشنویم مثل شب های دوشنبه ی گذشته برنامه ی زنده ی حبل متین با حضور استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی معنا پیدا می کند حضرت استاد سلام علیکم خیلی خوش آمدید عرض تسلیت و تعزیت ما را بپذیرید.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هر کجای گیتی پهناور بیننده ی برنامه هستند و ما را مهمان خانه های گرم و با صفای خانواده خود قرار داده اند خالصانه ترین سلام را همراه با تسلیت و تعزیت شهادت جانسوز و مظلومانه ی سبط اکبر امام مجتبی سلام الله علیه، رحلت و یا شهادت جانسوز نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین شهادت آقا علی بن موسی الرضا علیه آلف و تحیت و سلام تقدیم می کند

و موفقیت همه ی گرامیان را از خدای منان خواهان هستم خدا را به آبروی این سه نور پاک سوگند می دهم فرج مولایمان را نزدیک کند همه ی ما و شما را حاجت روا نموده، گرفتاری های ما و دغدغه ی فکری ما و شما را بر طرف کند دعاهای همه ی ما و شما را به اجابت برساند باشد که این لحظات عمر ما و این دقایق بهترین ذخیره ای باشد برای آن لحظات جان کندن ما و شب اول قبر ما و برزخ ما و قیامت ما و بهشت ما، ان شالله تبارک و تعالی.

### مجری:

ممنونم حضرت استاد خیلی متشکرم که امشب هم توفیق داریم در خدمتتان باشیم و وقت گذاشتید عزیزان بیننده ی ما حتما در جریان هستند ما شب جمعه در برنامه ی امامت و ولایت بحثی را آغاز کردیم در خصوص حدیث قرطاس، عزیزانی که همراه بودند حتما همراهی کردند

من یک خلاصه ای را عرض کنم از این که شاید برای بعضی از مخاطبین جدید ما این موضوع مورد توجه باشد که حدیث قرطاس به چه معناست حتما می دانید که پیغمبر در روزهای پایانی عمرشان که اصحاب جمع شده بودند در منزلشان و امر فرموده بودند که قلم و دوات بیاورید و فرمودند که چیزی را برای شما بنویسم که هرگز گمراه نشوید که این معروف شده است به حدیث قرطاس.

حضرت استاد ما در برنامه ی گذشته ی امامت و ولایت کاملا توضیح دادید که اگر امت توجه می کردند و عنایت می کردند برای همیشه مصون می ماندند ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد به دلیل اتفاقاتی که در کنار بستر پیغمبر رخ داد و از نوشتن این نامه و این مطلب جلوگیری شد حالبرخی از عزیزان

اهل سنت استاد نسبت به عباراتی که حالا صحابه ای که آنجا بودند و به کار بردند تردید دارند که واقعا آیا مثلا صحابه ی پیغمبر چنین کلاماتی، چنین عباراتی را در محضر پیغمبر در آن شرایط به کار برده اند می خواهیم ببینیم آیا این عباراتی که آنجا در محضر پیغمبر بیان شد و متأسفانه نسبت هایی که پیغمبر گرامی اسلام داده شد آیا این عبارات در صحیحین ، صحیح مسلم، صحیح بخاری که معتبرترین کتاب عزیزان اهل سنت ما هست آیا آماده است یا خیر ، در خدمتان هستیم

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين وهو خير ناصر ومعين. الحمد لله والصلاة على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله. الى يوم لقاء الله. اُفُوْضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيْرُ.اللّٰهُمَّ ما بنا من نعمه فمَنْك، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِليْكَ يا ابا صالح المهدي ادرکنا.

همانطوری که جناب حاج علی آقا حضرتعالی اشاره فرمودید یکی از حساس ترین فراز تاریخ اسلام همین قضیه ی نامه ی نانوشته و یا برخوردی که با نبی مکرم در آخرین لحظات عمر با برکتشان انجام شد.

خوب عزیزان اهل سنت ما با توجه به آن نگاهی که به صحابه دارند برای صحابه یک قداست ویژه ای قایل هستند و نمی توانند بپذیرند که همچین برخوردی نسبت به نبی مکرم از آنها سر زده باشد

ولی توجه به این نکته ندارند که این آقایان غیر از پیغمبر احدی را معصوم نمی دانند حتی پیغمبر را هم خیلی هایشان فقط در مسئله ی وحی معصوم می دانند من نمی دانم این آقایان که این قدر دیدیم آن دفعه بعضی از عزیزان اهل سنت ما یک مقداری حساسیت به خرج می دادند و این ها آیا واقعا قایل به عصمت صحابه هستند و آنچه که از صحابه سر می زنند عین وحی منزل هست یا نه قایل به عصمت نیستند

اگر قایل به عصمت هستند به قول یکی از بزرگان اهل سنت می گوید ما به شیعیان اعتراض داریم که شما قایل به عصمت چهارده معصوم هستید ولی بدون توجه به خودمان قایل به عصمت ۱۲۰ هزار صحابه هستیم

خوب ببینید اگر این هست قضیه، خوب فرق می کند خوب نباید حتی آن عزیزمان که آن هفته زنگ زدند از کردستان که شما در بعضی از دعاهاتان خدا را قسم می دهیم به پهلوی شکسته حضرت زهرا، این برای ما قابل تحمل نیست خوب اگر همین قضیه برای عزیزانمان روشن بشود آیا واقعا قابل به عصمت هستند؟

اگر قابل به عصمت نیستند و معتقد هستند که صحابه خطا می کنند، گناه می کنند و در قرآن آیات در مذمت صحابه آمده است در زمان نبی مکرم صحابه گناه کرده اند زنا کرده اند پیغمبر حد زده، شراب خورده اند، حد زده، دزدی کرده اند، حد زده، در زمان خلیفه ی دوم صحابه شراب خورده اند، خود خلیفه ی دوم به آنها حد زده.

اگر این قضایا مطرح است این آقایان که نمی توانند یک بام و دو هوا داشته باشند ببینید این مسایلی است که مطرح است ما ضمن این که احترام می گذاریم به مقدسات عزیزان اهل سنت و عقاید اهل سنت و می خواهیم عرض کنیم صحابه به ما هو صحابه خوب یک جایگاه خیلی بالایی دارند ما وقتی خواب پیامبر اکرم را می بینیم از خوشحالی در پوست خودمان نمی گنجیم و آنها مشافعتن نبی مکرم را، دیده اند زیارت کرده اند جمال او را دیده اند و از سخنانشان استفاده کرده اند و امثال این قضایا، خوب نفس مصاحبت با نبی مکرم زیارت نبی مکرم شرفی است که **لیس فوقها شرف** ولی بحث بر سر این است که آیا مصاحبت با پیغمبر عصمت آفرین است؟

و کنار پیغمبر بودن دیگر انسان را از هر گناه معصوم می دارد آیا این را قابل هستند این را نه قرآن می گوید نه سنت و نه خود صحابه هم همچین اعترافی ندارد که آقا ما معصوم هستیم خطایی از ما سر نمی زند حتی خود خلیفه ی اول و دوم و غیره همچین تعبیری را ندارند و این یک مقدار عزیزان باید دقت بکنند که معتقداتشان چی هست.

البته ما نسبت به صحابه ای که در خط نبی مکرم بودند در زمان پیغمبر به درجه ی شهادت رسیدند **لهم فضل لا ینسی**، این یک فضیلتی است که نمی شود تصور کرد و آن هایی که بعد از پیغمبر در خط پیغمبر و در اطاعت پیغمبر بودند این هم به این شکل، ولی اگر ما تعدادی خوب همین آقایان اصحاب رده که ابوبکر با آنها جنگید و این ها را کشت مگر از صحابه نبودند این ها، خوب ببینید بفرمایند این هایی که جنگیدند صحیح بخاری گفت این ها پیغمبر را قبول دارند نماز را هم قبول دارند زکات را یا قبول ندارند یا قبول دارند به ما نمی خواهند بدهند این ها هم صحابه بودند دیگر به چه جرمی این ها مستحق قتل شدند؟

یا آنهایی که در قتل عثمان شرکت کردند تعبیر تاریخ طبری، کامل این اثیر و غیره که صحابه جمع شدند یا گیریم صحابه جمع نشدند اصلا یهودی ها آمدند این صحابه ای که در مدینه بودند و از خلیفه دفاع نکردند آیا این کم جرمی هست کم گناهی است؟

یا بیایند به ما جواب بدهند علی ای حال یک مقداری من تقاضا دارم برادران بزرگوار اهل سنت یک مقداری به قضایای تاریخی باز نگاه کنند نگاه تهنجری نباشد نگاه، نگاه محدود نباشد تنگ نظرانه نگاه نکنند تصور نکنند اگر ما مطالبی را از تاریخ نقل می کنیم یا از صحاح آنها، از سنن آنها، از مسانید آنها نقل می کنیم خدایی نکرده نه قصد جسارت داریم نه اهانت داریم

می خواهیم یک حقایقی روشن بشود و این مسئله که خوب نبی مکرم می گوید اکتب لکم کتابا لن تضلوا بعداً هرگز گمراه نشوید مسئله ای کوچک که نیست نمی خواهد بگوید نماز بخوانید بهشت بروید زکات بدهید خدا امواتان را زیاد بکند روزه بگیرد تا پاک بشوید نه؛ می گوید من می خواهم یک چیزی برایتان بنویسم که برای همیشه شما را از هر گونه ضلالت بیمه بکند برخوردارهایی که داشت

دیگر چیزی بالاتر از این نیست عزیزان من، اجازه بدهید اصلاً بدون این که هیچ اظهار نظری داشته باشم از خود صحیح بخاری و مسلم ببینید اصلاً این تعبیری که این دو بزرگوار اهل سنت دارند تعبیرشان چه هست؟

دوستان، بزرگواری کنند این صحیح بخاری هست چاپ ابن کثیر دمشق هست البته این هیچ تفاوتی از نظر شماره ی حدیث با دار الطیبه ریاض ندارد شماره ی حدیث دار ابن کثیر و با دار الطیبه ای که در ریاض چاپ شده و ما هم بارها اینجا نشان داده ایم هیچ ندارد خوب ببینید ایشان تعبیرشان چه هست.

شماره حدیثی ۵۶۶۹ در یک جلد هست کتاب اگر دوستان نمی دانم دوستان می توانند این را محبت بکنند یک لحظه این کتاب هم همیشه اینجا جلوی ما هست صحیح بخاری اگر محبت کنند این صحیح بخاری هست بیت الاخبار الدولیه هست برای شما عرض کنم این هم بیت الاخبار الدولیه کلاً مال ریاض هست عزیزان بزرگواری کنند که نشان بدهند.

بله تک جلدی هم هست مال چاپ ریاض هست با این که ما الان نشان می دهیم با این هیچ صحیح مسلمی که اینجا دم دستمان هست همیشه چه دارالفکر باشد چه دارالاطیبه این ها هیچ تفاوتی با همدیگر از نظر شماره ی حدیث ندارند خوب ببینید اینجا از عبدالله بن عباس هست که می گوید پیغمبر فرمود:

**هلم اکتب لکم کتاب لا تضلوا بعده**

برای شما بنویسم که گمراه نشوید

خلیفه دوم گفت:

## ان النبي قد غلب عليه الوجع

این تعبیر اینجاست که خلیفه دوم گفت پیغمبر بیماری بر او غلبه کرده است در نزد شما قرآن هست قرآن برای ما کفایت می کنند بعضی ها گفته اند قلم و کاغذی بیاورید بعضی ها گفته اند که همان عبارت خلیفه دوم را چکار کرده اند تکرار کرده اند.

نکته ی جالبی که آن دفعه من عرض کردم این عزیزمان که می گوید آقا این ها دل بخواهی بوده و پیغمبر هم خوشحال شد تأیید کرد ذیل روایت را به ما جواب بدهند که ابن عباس می گوید:

### ان الرزیه کل الرزیه...

تمام مصیبت همه ی مصیبت ها از آن جا شروع شد که نگذاشتند پیغمبر این کتاب را بنویسد خوب اگر واقعا پیغمبر تأیید کرد این آقایان همان دل بخواه پیغمبر را انجام دادند و پیغمبر خوشحال شد دیگر این **الرزیه کل الرزیه** معنا ندارد که ابن عباس بیاید بگوید تمام مصیبت ها مربوط به همین هست یا اینکه :

## اکثرو اللغو و الاختلاف

آیا این **اکثرو اللغو و الاختلاف** مورد رضایت پیغمبر هست یا پیغمبر اکرم فرمود :

## قوموا عنی

از پیش من بروید بیرون.

پیغمبری که مخترع به انک **لعلی خلق عظیم** هست می آید و می گوید از خانه ی من بروید بیرون، یعنی این قدر پیغمبر متأثر می شود و ما آن دفعه آوردیم:

## و غم رسول الله

غمناک شد پیغمبر.

خوب این ها را یک مقدار از عزیزان تقاضا داریم یک کمی باز نگاه کنند و همچنین در صحیح بخاری باز در همین دار این کثیر حدیث شماره ی ۳۰۵۳ خوب ابن عباس می گوید روز پنج شنبه، چه روز پنج شنبه ای به طوری که گریه کرد گریه اش ریگ ها



را خیس کرد یا از گونه اش سرازیر شد خوب دیگر این واقعا اگر این طوری دل بخواه پیغمبر بود دیگر معنا نداشت با این که پیغمبر می گوید

## اكتب لكم كتابا لن تضلوا بعده ابدًا فتنازعوا ،

این ها با همدیگر تنازع کردند خوب این ها را عزیزان یک مقداری دقت بکنند:

### و لا ینبغی عند نبی تنازع

شایسته نیست پیش پیغمبر تنازع کنند و همین تنازع کردن پیش پیغمبر، خودش هم می گوید شایسته نیست پیش پیغمبر تنازع کردند.

در اینجا هم دارد که می گویند **هجر رسول الله**، پیغمبر نستجیر بالله هذیان گفت. خوب این **فقالوا** این **فقالوا** فاعلش کی هست یهودی ها آمده بودند آنجا مسیحی ها آنجا بودند بیگانگان آنجا بودند بودند یا همین صحابه ای که آنجا آمده بودند برای عیادت نبی مکرم، خوب این تعبیر تعبیر درستی نیست

حالا نمی دانم آقایان اگر می گویند درست هست ما حرفی نداریم ولی ما برداشتمان این هست که این تعبیر همانطور که معنای این را هم آوردیم این اثر برای شما عرض کنم این منظور و این ها می گویند **هجر** یعنی هذیان گفتن و این اهانت هست و خلاف ادب هست

همه آورده اند که اصلا این کلمه ای که به کار برده اند با ادب صحابه ادب پیغمبر همخوانی ندارند خلاف ادب هست خوب این هم باز حدیث ۳۰۵۳، اینجا تعبیر چی هست **هجر رسول الله** باز در صحیح مسلم ما می خوانیم عزیزان این را دقت کنند این صحیح مسلم هست که همین چایی که الان من نشان دادم که مال بیت الافکار الدولیه هست این باز هم مال ریاض هست بعد اینجا تعبیر چه هست عزیزان دقت کنند از ابن عباس می گوید روز پنجشنبه، چه روز پنجشنبه در دنیاکی هست

ثم جعل تسلیل دموعه، حتی رایت علی خدیبه کانهما نظام اللؤلؤ،

می گوید از آن حدیث قرطاس و روز پنجشنبه یاد می کرد گریه می کرد اشکش از گونه هایش همانند دانه های مروارید سرازیر بود خوب بله پیغمبر فرمود:

خوب حالا آقایان به هلم ایراد می گیرند اینجا دیگر که هلم نیست اُتُونِي هست مگر این که بیایند بگویند اُتُونِي هم لغت حجاز نبوده است حالا این کلمه ی هلم را آقایان ببینند در خود صحیح بخاری صحیح مسلم یعنی صحاح سته حداقلش پنجاه تا روایت کلمه ی هلم آمده است حالا این آقایان.

### مجری:

هلم حالا به چه معناست

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

هلم یعنی بیاورید هیچ فرقی نمی کند چه هلم یا هلمُوا باشد چه اُتُونِي باشد حالا یکی از اشکالاتی که این آقایان در یکی از این شبکه های شیطانی صهیونیستی گرفته بودند آقا کلمه ی هلم این لغت غیر حجاز است رسم نبوده است. اصلاً پیغمبر همچنین کلمه ای را به کار نبرده است اصلاً،

حالا اگر هم لازم شد من از همین نرم افزار، آن روز من اتفاقاً، الان عزیزان دقت بکنند من همین فقط کلمه ی هلموا را من می زنم این نرم افزار هست دوستان محبت کنند مانیتور من را، کلمه ی هلموا را من زده اند جستجو بکنند ببینید عزیز من در سه ثانیه ۹۷۷ کتاب کلمه ی هلموا آمده است ۹۷۷ کتاب کلمه ی هلموا آمده است از تفسیر مقاتل گرفته تا من بیایم تا کتاب صحیح بخاری را که در همین در صحیح اصلاً مسند احمد مملو از کلمه ی هلموا است

شاید نزدیک بیست مورد فقط در مسند حنبل برای شما عرض کنم کلمه ی هلموا آمده است الان اجازه بدهید من صحیح بخاری، این آقای بزرگواری که می گفت کلمه ی هلموا لغت غیر عرب هست و لغت غیر حجاز هست صحیح بخاری ج ۵، ص ۲۳۵۳ حدیث شماره ی ۶۰۴۵ که از ابو هریره:

«قال رسول الله إن لله ملائكة يطوفون في الطرقات يلمسون أهل الذكر فإذا وجدوا قوماً يذكرون الله تنادوا هلموا إلى حاجتكم»

حتما ملائکه هم بلد نبودند به لغت حجاز حرف بزند ملائکه وقتی می بینند یک عده از بندگان مشغول ذکر هستند می گویند بیاید به طرف حاجتان، یعنی حاجتان برآورده شد مگر این که بگویند آقا، ملائکه هم بلد نبودند و حالا پیغمبر بلد نبود ملائکه هم بلند نبودند و همچنین در خود صحیح مسلم باز اینجا روایت از نبی مکرم هست و قضیه ی ابوبکر هست که ایشان میگوید:

أَمَّا الْأُولَىٰ فَمِنَ الشَّيْطَانِ هَلُمُوا قِرَاءَكُمْ

حتما جناب ابوبکر هم بلد نبوده است به لغت حجاز حرف بزند کلمه ی **هلموا** را در اینجا که عبارت خیلی تند من به فرزندش عبدالرحمان می زند و سنن ابن ماجه واژه **هلموا** دارد و ۹۷۷ کتاب از اهل سنت واژه ی هلموا را در صحاح و سنن و مسانیدشان آورده اند

حالا این آقایان نمی دانم این را از کجا آورده اند این را اولین بار خلاصه کدام یک از اولیاشان به این ها وحی فرموده اند خلاصه این نشریات **لیوحون الی اولیائهم** این کلمه **هلموا** خلاصه لغت غیر حجاز هست پیغمبر به لغت غیر حجاز حرف نمی زند این ها تصور می کنند که یک کشف جدیدی را به قولی آن آقا کشف جدیدی خلاصه کشف کرده اند

بله علی ای حال در این عبارتی که هست که نبی مکرم آنجا داشت هلموا ولی در این جا تعبیرشان این هست که **ائتونی** بله به من بدهید قلمی ، کاغدی

اكتب لكم كتابا لن تضلوا بعده ابدا

نامه ای بنویسم که هرگز شما گمراه نشوید **فقالوا** چه گفتند؟

**ان رسول الله يهجر**

پناه می بریم به خدا، پیغمبر دارد هذیان می گوید آدم واقعا من که می گویم موهای بدنم سیخ می شود. نقلش درد آور است، حالا اینها آمده اند

ان رسول الله يهجر

می خواهند برای دلجویی از پیغمبر بود خیرخواهی برای پیغمبر بود چی بود؟ حالا نمی دانیم این دیگر قضاوت را ما خودمان نمی کنیم به عهده ی خود بزرگواران می گذاریم. باز عجیب هست در کتاب صحیح بخاری دارد ابن کثیر حدیث شماره ی ۴۴۳۱ اینجا چه هست اینجا تعبیر دارد:

### فقالوا ما شأنه أهبجر

پیغمبر که قلم و کاغذ می آورد چه چیزیش هست هذیان می گوید

### استفهموه

یک نوع بازی با سنت هست آنجا می گوید **یهجر** آنجا می گوید **هجر رسول الله** اینجا می آید می گوید **أهبجر** حالا بعضی ها که خوانده اند **أهبجر** خبر هست کلمه ی الف الف استفهام نیست حالا اگر بگیریم «**أهبجر** استفهموه فذهبوا یردون علیه : سخن پیغمبر را رد می کردند پیغمبر می گوید بیاورید می گفتند نه کاغذ بیاورید نه. حالا آنهایی که خیرخواه اسلام بودند آیا از پیغمبر بهتر می فهمیدند آیا پیغمبر نمی دانست نستجیر بالله قرآن در میان مردم هست؟

پس: حسبهم کتاب الله ما نمی دانیم چیه هست قضیه اش و جالب این است که در اینجا باز همین حدیثی که اون هفته هم اشاره شد پیغمبر به سه چیز وصیت کرد که مشرکین را از جزیره العرب بیرون کنید هیأت ها را همانطوری که من پذیرایی می کردم پذیرایی کنید

### سکت عن الثالثه

دیگر از سومی ساکت شد

### أو قال فنسيتها

یا گفت من فراموش کردم

این هم باز یک دردی هست باز این صحیح بخاری برای بیت الافکار الدولیه اینجا هم باز برای شما عرض کنم حدیث ۴۴۳۱ هست هر دو یک چیز هست اینجا هم

فقالوا: ما شأنه أهبجر استفهموه فذهبوا یردون علیه

این هم باز عبارت دیگر کلمه ی **أَهْجَرَ**؛ در برای شما عرض کنم صحیح مسلم باز این جا تعبیری که دارند آقایان یک مقداری تعبیر فرق می کند این را عزیزان ما یک مقداری اگر دقت بکنند خیلی تعبیر عجیبی هست این هم عزیزان صحیح مسلم هست این هم تعبیری است که :

عند رسول الله يهجر

این تعبیر باز حدیث ۱۶۳۷ این عزیزان دقت کنند که پیغمبر فرموده :

أتونى اكتب لكم كتاب لا تضلوا بعدى فتنازعوا و ما ينبغى عند نبى تنازع و قالوا ما شأنه؟ أهجر استفهموه

بعد در کنارش می آید می گوید سه تا وصیت کرد:

قال و سكت عن الثالثه أو قالها فانسيتها

باعث شدند که من فراموش کنم نمی گوید **نسيتها** می گوید **انسيتها** اگر از باب افعال بگیریم متعددی، یعنی مرا فراموشاندند نگذاشتند تو ذهن من بماند

یعنی کاری کردند که فراموش کند گفتند فراموش کن فعلاً حالا ما نمی دانیم چی هست من فقط همین عبارت را خواندیم دیگر بیش از این ما؛ خوب این تعبیری هست که می بینیم در خود صحیح بخاری و صحیح مسلم با این تعبیر از قول خلیفه ی دوم می آید **غلبه الوجد** ،

از قول صحابه می آید **فقالوا هجر رسول الله**، یا **فقالوا ان رسول الله يهجر** یا **أَهْجَرَ رسول الله** تمامی این ها همه به یک معناست این در حقیقت ما نمی دانیم که این قضیه چی هست؟ که به این شکلی می آیند برای شما عرض کنم فقط من این تعبیر را از جناب آقای عینی اگر دوستان مانیتور من را محبت کنند بدر الدین عینی می گوید

هذه العبارات كلها

تمام این عبارات حالا **يهجر** باشد **أَهْجَرَ** باشد **غلبه الوجد** باشد **كلها فيها ترك الأدب** یعنی ادبی که مناسب بود با پیغمبر این ها کنار گذاشته اند

و الذكر بما لا يليق بحق النبى

جمله ای گفته اند که شایسته نبود در محضر پیغمبر آن جمله را به کار ببرند و **لقد أفحش من أتى بهذه العبارة** یعنی عبارت زشتی به کار برده است فحش داده ناسزا گفته هر کس همچین عبارتی را به کار برده است.

ما هم هیچ اظهار نظری هم نمی کنیم بزرگواران عمده القاری بدرالدین عینی که از شارحین صحیح بخاری هست مراجعه بفرمایند عمده القاری ج ۱۴، ص ۲۹۸، خوب این تعابیر هر چه باشد

**فیهما ترک الأدب و ذکر بما لا یلیق بحق نبی صلی الله علیه و آله و سلم**

بله ما در خدمت حضرتعالی هستیم

### **مجری:**

متشکرم حضرت استاد اشاره فرمودید یعنی اسناد و مدارک را کاملا نشان دادند عبارتی که استفاده شده و نسبت هذیان که به نبی مکرم اسلام داده شده و ملاحظه فرمودید در صحیح مسلم، صحیح بخاری به صراحت این ها آمده است.

اما می خواهیم قدری بیشتر این را بازش کنیم که هیچ قصد توهین و جسارت هم نداریم ما هدفمان بحث آگاهی بخشیدن هست بحث علمی است منابع و اسناد را نشان می دهیم آن هم از منابع عزیزان اهل سنت، ما کتاب های خودمان را نیاوردیم بحارمان، اصول کافی یا این ها، از منابع اهل سنت آمده است این ها، و به صراحت هم به آن اشاره شده است.

### **نسبت دهندگان هذیان به پیغمبر اکرم چه کسانی بودند!؟**

حالا جناب استاد چه کسانی واقعا نسبت هذیان را به رسول گرامی اسلام داده اند و واقعا هدفشان چی بوده است.

### **آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

ببینید در اینجا من باز هم اجازه بدهید همان عبارت هایی که از صحاح آورده بودیم این ها را در نزد عزیزان و برادران بزرگوار ببینند مان داشته باشیم که دوستان اگر مانیتور من را هم محبت کنند که ما نوشته ایم این ها معمولا کبار صحابه در عیادت حاضر بودند و به صورت صیغه ی جمع آمده است **فقالوا** گفتند نه یک نفر یا یک دفعه خلیفه ی دوم گفت و **منهم**

**قالوا و ما قال عمر ، آنهاهم تکرار کردند**

فقالوا هجر رسول الله

فقالوا ان رسول الله يهجر

پس این کلمه مشخص هست به این شکل در بعضی از تعبیر هست که شخص خلیفه ی دوم هست که:

قال عمر ان النبي غلبه الوجد

ابن ابی الحدید می گوید

بان عمر قال كلمه معناها أن الوجد قد غلب على رسول الله

جمله ای گفت معنایش این بود که بر پیغمبر بیماری غلبه کرده است حالا ابن ابی الحدید، آقایان قبول ندارند هیچی ولی صحیح بخاری را دیگر آقایان دیگر قبول دارند

در تعبیر دیگری که در روایت جابر آمده است که آنجا تعبیر، تعبیر دیگر خیلی صریحی هست خوب عزیزان دقت کنند این مسند احمد بن حنبل هست با تحقیق حمزة احمد الزین دارالحدیث قاهره هم این را چاپ کرده است این هم جلد ۱۱ این هم حدیث شماره ۱۴۶۶۱ عزیزان دقت بکنند که از **ابی الزبیر عن جابر** آقایان گفت فقط این را باید از ناحیه ی ابن عباس آمده است ابن عباس هم بچه بوده است بابا این دیگر از جابر آمده است جابر هم شاید بچه بوده یا چی بوده نمی دانیم که می گوید پیغمبر به هنگام رحلتشان با بعضی خواسته کتابی ، چیزی بنویسد که مردم گمراه نشوند

فخالف عليها عمر بن الخطاب

جناب عمر بن خطاب با این مخالفت کرد **حتی رفضها حتی** حالا رفضها فاعل رفض نبي مكرم باشد که پیغمبر دیگر صرفنظر کرد با این برخوردشان یا نه **رفض عمر بن الخطاب هذه الكتاب** ولی آن چه مهم هست

فقال فخالف عمر بن الخطاب

عمر بن خطاب مخالفت کرد با این کار خوب این برادر بزرگوارامان که اصرار داشت یا عزیزان دیگرانمان بحث بحث علمی هست قصد نه جسارت هست نه توهین هست یک بحث علمی هست که مباحثی هست که آمده است و روایت هم که آقا ایشان بفرمایید

روایتش هم که معتبر هست چیزی نیست که ما بخواهیم خوب همین تعبیر را برای شما عرض کنم در کتاب مسند ابی یعلی الموصلی دارد با تحقیق ارشاد الحق الأثری جلد دوم این هم باز حدیث شماره ی ۱۸۶۴ محققش هم می گوید

و رجاله ثقات

رجالش ثقه هستند.

باز اینجا هم همین تعبیر دارد که جابر بن عبدالله نقل می کند که برای شما عرض کنم

و كان في البيت لغط فتكلم عمر بن الخطاب فرفضه النبي

عمر بن خطاب برای شما عرض کنم حرفی زد که پیغمبر او را رد کرد خوب این هم نسبت به ایشان. و همچنین مجمع الزوائد هیشمی هم همین تعبیر را می آورد در ج ۴، ص ۳۹۰ باز از جابر هست که

أن رسول الله دعا عند موته بصحيفة كتابا لا يضلون بعده و لا يضلون

پیغمبر گفت من چیزی بنویسم نه گمراه شوید نه گمراه بکنید خیلی جالبه چیزی بنویسم که شما نه گمراه بشوید و بعد از این کسی را گمراه بکنید و كان في البيت لغط سر و صدایی بود که خلیفه ی دوم صحبت کرد و پیغمبر آن را رد کرد

خوب بعد عبارتی است روایت که از خود خلیفه ی دوم این دفعه دیگر روایت از ابن عباس و جابر هم نیست این المعجم الاوسط طبرانی هست ج ۵، که ایشان در این جا حدیث را مطرح می کند حدیث شماره ی ۵۳۳۸ از زید بن اسلم از عمر بن الخطاب عزیزان این را هم دقت کنند این که دیگر آقای طبرانی متوفای ۳۶۰ از اجلای علما و ائمه اهل سنت هست از خود عمر بن الخطاب می گوید پیغمبر که مریض شد فرمود:

ادعوا لي بصحيفة و دواة دیگر نه هلموا هست نه اتتونی هست می گوید برای من قلم و کاغذی بیاورید بنویسم چیزی را که هرگز بعد از آن دیگر گمراه نشوید بعد عمر بن الخطاب می گوید

فكرهنا ذلك اشد الكراهة

ما از این نامه نوشتن به شدت بدمان آمد



ببینید این بزرگواران برای ما معنا کنید

## فکرهنا ذلک اشد الکراهه

ما این سخن پیغمبر را خیلی بدمان می آمد به شدت مورد کراهت ما بود

دوباره پیغمبر فرمود ببینید **ثم قال** دوباره پیغمبر فرمود می گوید قلمی بیاورید یک چیزی بنویسم که بعد از او تا ابد گمراه نشوید

## فقال النسوة من وراء الستر

زن هایی که پشت پرده بودند گفتند

## ألا تسمعون ما يقول رسول الله

نمی شنوید پیغمبر چی می گوید

البته باید **فقال النسوة** باشد و خیلی ها در تأنیث فعل خیلی سخت نمی گیرند. نمی شنوید پیغمبر چه می گوید؟ **فقلت** خلیفه می گوید من گفتم **انکن صواحبات یوسف** شما مثل همان دلباخته های حضرت یوسف هستید ببینید این تعبیر را من نمی دانم اصلا من خجالت می کشم ترجمه کنم ولی من فقط یک اشاره ای می کنم و رد می شوم این برادر بزرگوارمان از زاهدان آمده بود روی خط عزیزمان و بزرگوار هستم ما خیلی احترامشان می گذاریم یا این بزرگواران دیگر عزیزان اگر واقعا توجیهی دارند تشریف بیاورند روی خط توجیه کنند ما را هم قانع کنند ما هیچ حرفی نداریم خلیفه ی دوم می گوید من گفتم که پیغمبر وقتی مریض می شود

## فصبرتن أعینکن

قطرات اشکتان را می ریزید

و اذا صح رکبذن عنقه

پیغمبر وقتی سالم هست به گردنش سوار می شوید.

من نمی دانم اگر این را یک نفر فرزند یک مولوی، فرزند یک مفتی، فرزند یک عالم بزرگوار، مثلاً نسبت به مادرش همچین تعبیری به کار ببرد آیا ببینید این مولوی بزرگوار، این امام موساد عزیز، این مفتی گرامی چه برخوردی می کند که می گوید به زنان پیغمبر، می گوید پیغمبر وقتی مریض هست اشک چشمتان جاری هست وقتی سالم هست به گردش سوار می شوید

## فقال رسول الله دعوهن.

پیغمبر زنها را رها کنید

## فانهن خیر منکم

این ها از شما بهتر هستند

ما هیچ تعلیقه ای، تحلیلی و قیدی هم نداریم دوباره من این روایت را روایت ۵۳۳۸ ص ۲۸۷ و ۲۸۸ از کتاب المعجم الاوسط حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی در دارالحرمین هم این چاپ شده است در جلد ۵ ،

خوب این تعابیر در این کتاب هست و یک جمله ای که عزیزان ما باید دقت کنند نمی دانم این هم چقدر برای عزیزان قابل هضم هست یا نه، آقای ابن حبان که از او تعبیر می کنند امام حافظ محمد بن حبان تمیمی البستی که همان فردی هست که می گوید من در مشهد بودم همیشه مشکلی داشتم به زیارت امام رضا می رفتم و مشکلم بر طرف می شد

تعبیر به امام می کنند این هم برای شما عرض کنم چاپ اول آن تحت نظر دکتر محمد عبدالمعید مدیر داره المعارف العثمانیه هند هم هست در جلد اول، این هم صفحه ی اول این کتاب هست که ایشان متوفای ۳۵۴ هست عزیزان دقت کنند تعبیری که ایشان دارد این را از عزیزان ما یک بزرگواری کنند این تعبیر جناب آقای ابن حبان بیارند بله عزیزان بله از [جابر عن النبی دعا بصحیفه عند موته پیغمبر کاغذی خواست فکتب لهم فیها شیئا یک چیزی را نوشت در آنجا، این جا دارد نوشت.](#)

یک مقداری برای، من اتفاقاً چندین نسخه ی ثقات ابن حبان را نگاه کردم در نرم افزارهای مختلف چاپ های مختلفی که ما داشتیم گفتم شاید مثلاً [فیکتب، لیکتب](#) بوده

دیدم نه همه ی نسخه های ابن حبان که در اینترنت بود در نرم افزارهای ما در کتابخانه ی من بود من روی این خیلی کار کردم که دیدم همه جا کلمه ی **فکتب** دارد و هر کس هم از ابن حبان نقل کرده است **فکتب** نقل کرده است در نرم افزار الجامع الکبیر هم که دیگر وهابیت نظارت دارند کلمه ی **فکتب** دارد پیغمبر اکرم نوشت چیزی را که:

**لا یضلون و لا یضلون،**

**چیزی که نه گمراه کند نه گمراه کنند.**

**فکان فی البیت لعط**

**سر و صدایی ایجاد شد و سخنان خلیفه ی دوم به کار برد**

**فرضها** این نوشته کنار گذاشتند این هم که دارد خیلی صراحت دارد **فکتب** پیغمبر نوشت و بعد از نوشتن این کتاب را ، کتابت را پرت کردند کنار گذاشتند یا پیغمبر صرفنظر کرده است حالا به هر قیمتی می خواهد باشد

این ها تعبیری است که واقعا نمی شود از کنارش به سادگی گذشت ابن تیمیه حرانی که خوب ایشان دو تا عبارتی دارند عزیزان دقت بکنند این کتاب منهج السنه ابن تیمیه هست که همان منهج البداعه به قول آقای سقاف از علمای بزرگ اهل سنت هست اردون این هم با تحقیق دکتر محمد رشاد سالم ج ۶ ایشان تعبیرش چیست می گوید:

**و اما عمر فاشته علیه امر** بر او مشتبه شد که آیا سخن پیغمبر از شدت بیماریست یا نه از اقوالی هست از همیشه سخنان عادیست هست بعد می آید می گوید:

**و المرض جایز علی الانبیاء**

شیطننت را نگاه کنید پیامبران مریض می شوند خوب مگر کسی گفت پیامبر مریض نمی شود مگر ابن حجر و غیره نمی گویند در ذیل آیه ی شریفه ی

**و ما ینطق عن الهوی**

نبی مکرم چه در بیماری، چه در صحت هر چه بگوید **و ما ینطق عن الهوی ان هو الا یوحی** تمامش کلام خداست بعد می گوید برگشت و گفت

و هذا قال ما له ؟ أَهَجَرَ، چه چیزش هست آیا هذیان می گوید

کلمه ی أَهَجَرَ را آورد و فاعلش را خلیفه ی دوم کرد و حال آن که در صحیح بخاری و مسلم که ما خواندیم: **فقالوا أَهَجَرَ** و ایشان دارند عملاً چکار می کند حرفی را که ابن ابی الحدید گفته بود که سخنی که آمد **هَجَرَ** بود حالا نسبت می دهند به خلیفه ی دوم می گویند غلبه الوجه نسبت بدهند به صحابه می گویند **هَجَرَ** **یهجر** ایشان همین طوری دارد می گوید بعد می گوید:

فشكّ فی ذلک

خلیفه ی دوم شك کرد

و لم یجزم بأنه هجر

قصدی نداشت که پیغمبر هذیان می گوید

فشكّ جائز علی عمر فانه لا معصوم الا النبی

همان حرفی که ما دنبالش بودیم غیر از پیغمبر نبی هیچ کس معصوم نیست این عمر هم می تواند به پیغمبر نسبت هذیان بدهد دیگر کاملاً دیگر عملاً آمده است مسائل را چی هست پذیرفته است خیلی واضح و روشن. این عبارتش؛

عبارت دیگری که ایشان در مجموع فتاوی خود دارد این دیگر خیلی عبارت تندی هست حالا اگر عبارت را مثلاً ما می گفتیم یکی از مراجع ما می گفت یا علمای شیعه میگفت این آقایان وهابی ها هم هفت آسمان را بر سرش ویران می کردند متهم می کردند به اهانت، این کتاب مجموع فتاوی ابن تیمیه هست که در جلد دوم بله تعبیرش این هست:

و لهذا ألق الشيطان لعمر و هو محدث؛

شیطان در ذهن عمر القا کرد

یعنی این از القائات شیطانی بود این آقایان که این از دلجویی و دل رحمی به پیغمبر بود ایشان می گوید نه این از القائات شیطانی بود با این که عمر محدث هست ملائکه با او سخن می گویند خیلی عجیبه ها!

محدث یکی از معانیش این هست که ملائکه با او سخن می گوید و آن روایت مشهوری هم که دارند که اگر در امت من محدثی باشد که ملائکه سخن می گویند عمر بن الخطاب هست. شیطان در افکار عمر القاء کرد با این که او محدث بوده، ملائکه با او

سخن می گفتند در قصه جریان حدیبیه که پیغمبر اکرم آن تعبیر تندی را که داشت گفت مثل امروز شک نکرده بودم یعنی قضیه ی صلح حدیبیه موجب شک ایشان در نبوت نبی مکرم حالا این تعبیری که دارند آقایان

و قصه موت النبی صلی الله علیه و آله و سلم

و همچنین در داستان حدیث قرطاس هم این حرفی که خلیفه ی دوم زد این از القائنات شیطانی بود حالا اگر مال بد بیخ ریش صاحبش.

ابن تیمیه این را دارد می گوید و این دیگر البته ابن تیمیه هم نسبت به ابوبکر و هم نسبت به عمر نسبت به عثمان، نسبت به امیرالمومنین، که نسبت به امیرالمومنین خیلی وقیحانه حرف می زند اما نسبت به سه خلیفه هم ایشان عبارت های خیلی تند و دور از ادب دارد حتی بعضی از علمای اهل سنت هم اشاره دارند مثل ابن حجر هیثمی و غیره که حتی خلفای مثل ابوبکر و عمر و عثمان هم از خالصه

شمشیر اعتراض و آن قلم تند و زشت ابن تیمیه در امان نبودند من جمله همین هست که ایشان آمده به این شکلی گفته است

**مجری:**

حالا ما وقتمان خیلی کم است و استاد ما می خواهیم بحث را ان شالله جمع کنیم یکی از اشکالاتی که مطرح می کنند حالا کسانی که می آیند خوب آنجا عده ای آمدند حالا توهین کردند جسارت کردند پیغمبر می خواست مطلبی را بنویسد که هرگز گمراه نشوند حتی توی این عبارتی که شما به کار بردید که در منابع اهل سنت هم آمده است که حتی دو نفر هم با هم دیگر دعوایی نداشته باشند

اگر آن مطلب را پیغمبر می نوشت که صحاح در واقع صحیح مسلم، صحیح بخاری هم آمده شما هم اشاره فرمودید چه کسانی نسبت را دادند حالا اشکالی که می کنند خوب توی آن شرایط یک اتفاقی افتاد و خوب پیغمبر گفتنش بلند شوید بروید من چیزی نمی نویسم اما بعدا چرا این نامه را و این چیزی که حالا خیلی به آن تأکید داشتند نوشت.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

آن دفعه هم یکی از عزیزانمان خیلی اشاره داشتند به این قضیه من یک اشاره ای هم داشتند وقت هم گذاشته، پنج دقیقه هم از وقت بینندگان فقط من آدرس ها را عزیزان ببینند یادداشت کنند که خود جناب آقای ابن سعد متوفای ۲۳۰ هست که قضیه ی همان چیز را مطرح می کند حدیث قلم و دوا، بعد می گوید

فقال بعض من كان عنده إن نبي الله ليهجر،

کلمه ی لیهجر را با لام تأکید می آورد قطعا پیغمبر دارد هذیان می گوید فقيل له ألا تأتيك بما طلبت ؟

قال أو بعد ماذا قال؟ بعد از این که این ها گفتند این ها از خانه رفتند بیرون گفتند آیا بیاوریم قلم و کاغذ بنویسد پیغمبر فرمود بعد از این که این ها نسبت هذیان به من دادند خوب نوشتند جلوی چشم من می گویند پیغمبر هذیان می گوید. بعداً هم می گویند پیغمبر هم هذیان نوشته بود آنجا، چه فایده ای دارد این عبارت ایشان.

در عبارت این مقریزی در امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۴۴۹ این ها که وقتی رفتند بیرون گفتند که:

فقال يا رسول الله ألا تأتيك بالصحيفة التي طلبت و الدواة لتكتب لها فيها ما لا نختلف بعده؟

یا رسول الله ما بیاوریم قلم و کاغذی چیزی بنویسد که ما دیگر بعد از آن اختلافی نکنیم

فقال الان،

الان می خواهید بیاورید بعد ما قلمت بهجر؟ بعد از این که گفتید دارد هذیان می گوید خوب این هم این طور در امتاع الاسماع مقریزی، در معالم الفتن آقای سعید ایوب یکی از مستبصرین هست ایشان هم که این قضیه را مطرح می کند یا للعجب و یا للأسف که جای تأسف و تعجب که این ها که وقتی که پیغمبر را متهم می کردند به هذیان گفتن بر گشتن و گفته اند که چی هست؟ ما بیایم بعدا شما یک چیزی برای ما بنویسد خوب این باعث بشود که پیغمبر را وقتی یوصف بالهذیان فی حياته در حیات پیغمبر جلوی چشم پیغمبر متهم می کنند به هذیان گویی وقتی این نامه نوشته بشود آن موقع پیغمبر می گفته است.

تقریباً سه روز بود پنج شنبه این اتفاق افتاد دوشبه پیغمبر از دنیا رفت این ها از علمای اهل سنت. مرحوم شیخ مفید هم در کتابشان ج ۱، ص ۱۸۶ در اعلام الراء بأعلام الهدی و دیگران هم این را آوردند که بعضی ها پشیمان شدند آمدند گفتند ما چرا همچین

چیزی گفتیم فقالوا ان لله و انا اليه راجعون لقد اشفقت من خلاف رسول الله واقعا از این که پیغمبر را ما رنجاندیم نیاوردیم خیلی برای ما خلاف ادب بود ناراحت بود

پیغمبر اکرم وقتی از آن حالت یک مقداری خوب شد گفتند ما بیاریم پیغمبر فرمود: **أبعد الذی قلتّم** بعد از آن که آن نسبت را به من دادید؟ بعد خلاصه از صحابه رویگردان شد و عباس و علی بن ابی طالب آنجا بود که عباس گفت یا رسول الله اگر چنان چه این امر در ما هست امر امامت به ما بشارت بده و اگر نه، در حق ما ستم می کنند به ما وصیت کن که اگر به ما ستم کردند چکار کنیم حضرت فرمود:

انتم المستضعفون من بعدی

در حق شما بعد از من ظلم خواهند کرد.

جناب مرحوم شرف الدین هم یک تعبیر قشنگی دارد می گوید

لم یبق بعدها اثر لکتابه الکتاب سوی الفتنة و الاختلاف من بعده

فرضاً پیغمبر می نوشت تازه همین نوشته مایه ی اختلاف می شد همین نوشته پیغمبر نامه ی بنویسد مردم اختلاف نکنند حرف خیلی قشنگی زده است واقعا لذت بردند از این عبارت ایشان. می گوید پیغمبر می خواست یک چیزی بنویسد که حتی دو نفر هم اختلاف نکنند بعد از این که به پیغمبر نسبت هذیان دادند می نوشت تازه همین نوشته مایه ی اختلاف می شد که آیا **هل هجر فیما کتبه او لم یهجر؟** یک عده می گفتند آقا پیغمبر هذیان می گفته نوشته یک عده نه آقا هذیان نمی گفته بین همین نامه مایه ی اختلاف می شد.

بینید خیلی تعبیر قشنگی هست خیلی زیباست بعد می آمدند آقایان روایت هایی را جعل می کردند بله **ان الانبیاء یهجرون** پیامبران هم می توانند هذیان بگویند یا می آمدند روایت های را از قول پیغمبر نقل می کردند که آقا بله من هم بعضی وقت ها هذیان می گویم.

مرحوم آقای احمدی میانجی هم در مکاتیب الرسول این قضایا را آورده است یک نکته ی خیلی قشنگی دارد که می گوید همانطوری که این آقایان آمده اند نسبت به بعضی از قضایا مثلا نسبت به متع با این که پیغمبر اکرم که در صحیح بخاری و در

قرآن هم هست آیه ۲۳ سوره ی نساء که متعه را شارع مقدس در قرآن جایز شمرده است پیغمبر آن را جایز شمرده است جابر می گوید ما در زمان پیغمبر در زمان ابوبکر عمل به متعه می کردیم خوب جناب خلیفه ی دوم آمد گفت:

متعتان محللتان فی زمن رسول الله،

دو تا متع بود زمان پیغمبر بود

و انا انهی انهما

من نهی می کنم

نگفت پیغمبر نسخ کرده است نگفت پیغمبر نهی کرده است و انا انهی عنهما و اعاقب علیهما و اگر کسی این دو تا را انجام بدهد او را چکار می کنم تنبیه و عقاب می کنم

خوب آمده اند این آقایان شروع کردند داستان سرایی حالا اگر فرصت بشود یکی از دردهای واقعا بی درمانی که واقعا آدم می ماند معطل که این قضیه چی هست برای این که بیایند سخنان یا کار خلیفه ی دوم را توجیه کنند شروع کرده اند داستان سرایی و نمی دانم افسانه سرایی و نمی دانم این را پیغمبر اکرم در قضیه ی خیبر نسخ کرد حرام کرد خوب آقا اگر قضیه در خیبر برای شما عرض کنم نسخ شده، خیبر سال چند هجری بوده؟

در مکه در فتح که صحابه صیغه می کردند می رفتند به قولی خوشکل بازی در می آوردند من عبا تازه بود خودم خوشکل نبودم اون بابا رفیقم عباش کهنه بود خودش خوشکل بود یا این که در قضیه ی جنگ حنین که صحابه برایشان صیغه می کردند یا در قضیه ی حنین و غیره خود ابن حجر مانده معطل،

می گوید آقا با توجه به این قضایا شش بار متعه حلال شده حرام شده حلال شده، حرام شده، نووی وقتی من مطالعه می کردم دیدم این بنده ی خدا گیج شده زمین و زمان را به هم بافته تا درست کند بر این که جناب خلیفه ی دوم آمده گفته متعه حرام هست. خوب بابا این اگر نسخ شده، این آقایان به ما بیان کنند.

حالا من ان شالله مفصل صحبت خواهم کرد یکی از سوالات اساسی ما این هست آقا این در قرآن بوده یا نبوده؟ اول بیاید با هم بحث کنیم ببینیم که اصلا متعه در قرآن بوده یا نبوده؟ این آیه ی ۲۳ و ۲۴ سوره نساء **فما استمتعتم به منهن آنوهن اجورهن**

**فریضه قرطبی می گوید و قال الجمهور** جمهور علما گفته اند مراد نکاح متعه است که در صدر اسلام بوده است و



همچنین حاکم نیشابوری نقل می کند از ابن عباس که ابن عباس می گوید **و الله لأنزله الله كذلك فما استمتعتم به منه فأتوهن** **اجورهن فریضه** که می گوید **فما استمتعتم** اجل مسمی بوده یعنی عقد موقت بوده والله قسم خدا این طوری نازل کرده است این آیه را آقای حاکم نیشابوری هم می گوید این بر شرط مسلم هست.

خوب با این بوده من گمان نمی کنم کسی جرأت کند بگوید آقا متع در صدر اسلام حلال نبوده نسخ هم شده از بس که مشروع بوده است بوده نسخ شده، آقایان به ما جواب بدهند قرآن می گوید:

**(ما نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا)**

اگر هر آیه ای را نسخ کنیم یا بهتر از آن را می آوریم یا مثل آن را می آوریم خوب بفرمایید این آیه نسخ شده، بهترش کجا آمده است مثل این آیه کجا آمده است؟

بفرمایید دیگر، خود قرآن دارد می گوید یا نه، شما بیاید بگویید آقا نه ما می خواهیم با یک سنت را نسخ کنیم باید آنجا بگوییم **انا لله و انا اليه راجعون** حالا آنجا را هم ما مفصل بحث می کنیم که بزرگان شما عمدتاً ائمه اربعه و دیگران اتفاق نظر دارند که با سنت حتی سنت متواتر هم نمی شود قرآن را نسخ کرد.

این در حقیقت خلاصه ی بحث بود در این زمینه حالا اگر دوستان سوالی بود ما در خدمتشان هستیم مطلبی اگر بود جناب حاج علی آقا سوالی داشتند ما یک جلسه ی دیگر هم فقط می پردازیم به شبهات این ها، و سوالاتی که در این زمینه عزیزان ما چه عزیزان شیعه، چه عزیزان اهل سنت دارند.

من باز تأکید می کنم این ها همه بحث، بحث علمی است نه تکذیب می خواهیم بکنیم نه تضعیف می خواهیم بکنیم نه اهانت می خواهیم بکنیم یک بحث علمی هست این حرف ما بود زدیم بزرگوران هر کدام از عزیزان اهل سنت حالا اگر این هفته الان بحث هایی که ما کردیم حضور ذهن ندارند بزرگواری کنند مطالعه کنند سوال کنند در جلسه ی بعدی که شب جمعه هست بزرگواران بیایند روی خط ما در خدمتشان هستیم ده دقیقه، یک ربع، نیم ساعت در این رابطه عرایض ما را نقد کنند ما در خدمت شما هستیم.

**مجری:**

خیلی متشکرم همچنان برنامه ی زنده حبل المتین از شبکه جهانی ولایت تقدیم حضور شما می شود من الان هم یک نگاهی می کردم دیدم پیامک هایی زیادی به دست ما رسیده است منتهی حالا چون ما در این بخش از برنامه یک مقدار هم وقتمان گذشت می خواستیم زمان بیشتری را اختصاص بدهیم به عزیزان بیننده مان.

من فعلاً صرف نظر می کنم از خواندن پیامک ها اما واقعا تشکر می کنم از همه ی عزیزانی که لطف کردند با دستان مهربانشان از جاهای مختلف از خارج از کشور برای ما پیامک دادند و همراهی کردند برنامه ی زنده حبل المتین را، ما شروع برنامه مان را با مصیبت امام مجتبی علیه السلام آغاز کردیم و متوسل شدیم به آن آقای که کریم اهل بیت هست الان هم که از رسول گرامی اسلام برای شما گفتیم از این مصیبتی که روزهای پایانی عمر پیغمبر گرامی اسلام رخ داد و اتفاقی که مفصل در موردش صحبت کردیم الان هم دلہاتان را ببرید کنار گنبد خضراء نبوی.

**صلی الله علیک یا رسول الله** این روایت را همه شما شنیده اید از نبی مکرم اسلام، که فرمود **انا و علی ابوا هذه الامه** پدر امت هستند رسول گرامی اسلام و آقامون امیرالمومنین علی علیه السلام. و اگر امروز که روز رحلت جانسوز نبی مکرم است باید فکر می کنم شایسته هست که این تعبیر را به کار ببریم که همه پدرمان را از دست داده ایم همه یتیم شده ایم امت اسلام امروز می شود و عزادار می شود.

آنهایی که آرزو دارند کنار حرم با صفای نبی اسلام در مدینه گنبد خضراء نبوی و مرجع شریف آقای رسول الله قبرستان بی شمع و چراغ و غریب و مظلوم بقیع را زیارت بکنند ان شاءالله خدا به همین زودی زود نصیبشان بکند.

### **تماس بینندگان برنامه:**

از این لحظه به بعد ما صدای گرم شما را خواهیم شنید دوستان بیننده عزیزان شیعه و عزیزان اهل سنتی که روی خط ارتباطی ما می آیند و سوالاتشان و مطالبشان را مطرح می کنند فقط درخواستم این است که انشاءالله رعایت وقت را داشته باشند مثل همیشه درخواست ما هست تا بتوانیم تلفن های بیشتری را پخش کنیم اولین بیننده ی ما از آلمان هستند آقای سلطانی از شیعیان هستند آقای سلطانی سلام به شما وقت شما بخیر.

**بیننده (آقای سلطانی از آلمان - شیعه):**

سلام علیکم و رحمت الله امروز را که روز مصیبت بار و مصیبت جانسوز شهادت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن علیه السلام را برای تمام شیعیان و دلسوختگان تسلیت عرض می کنم ان شالله که خداوند ما را جزء شیعیان ایشان قرار بدهد و جایگزیم این مصیبت را با ظهور حضرت مهدی سلام الله علیه، برای ما تعجیل بفرماید.

جسارت برای ساحت مقدس رسول الله و جسارت برای آیات قرآن از آقای عمر خیلی دردناک هست اگر آنهایی که دلشان می خواهد و می توانند کتاب مطالعه بکنند و می توانند فکر بکنند یا به، من مریضم یکی از سفارتهای امارت متحده عربی سفیرش مریض من بود من همیشه خانه شان دعوت می شدم می آمدم آخرین روزهاش، وظیفه اش در آلمان تمام شده بود می خواست برود امارات متحده

به من گفت که من یک سوال جدی شخصا از شما دارم گفتم چی هست؟ گفت شما چرا به عمر فحش می دهید؟ گفتم اعوذ بالله ما هیچ احدی نه تنها برای عمر برای هیچ کسی فحش نمی دهیم حرام است در اسلام کسی را فحش دادن. گفت چرا بدتان می آید گفتم این هم تفسیر شما هست ما چیزی نگفتیم گفت من سوالی دارم از شما گفتم در این مورد اگر سوال کنید دوستیمان به هم می خورد نه تو شیعه می شوی نه من سنی می شوم بذار باشد این. گفت نه من جداً از شما خواهش می کنم سوال من را در این مورد جواب بدهید که چرا ایرانی ها از عمر بدشان می آید گفتم نه بدمان نمی آید فقط من یک سوالی داریم از آقای عمر که سوره ی ص آیه ۲۵ خداوند به حضرت داوود می گوید:

**(يا داوودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ)**

من حضرت داوود شما را خلیفه قرار دادم

یا به ابراهیم می گوید:

**(اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَا وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.)**

گفتم این طور که قرآن می فرماید این یک پیامبران داده است سوال من این است که آقای عمر شما چرا در این مورد تصمیم گرفتید؟ آیا خدا و جبرائیل و رسول الله عقلش به اینجا نمی رسید و یا ما خیلی زکاوتمان بالاتر از خداوند و رسول هست

این سوال من هست گفتم شما که استاد تاریخ هستید و از عربستان و کویت درس خوانده اید و دکتر آنجا هستید ما اینجا مسایل را خودتان بدانید و به همه بگویید اگر نمی گوئید روز قیامت از شما خواهند پرسید: لأحْمَلُنْ ذُنُوبَ سَفَهَائِكُمْ عَلَىٰ عِلْمَائِكُمْ

برای شما چیز می کنند اکثر گناهان را می نویسند گفت که اگر می خواهی من سفیر نشوم و اینجا پناهنده بشوم باید بگوئیم این ها حرف ها و گرنه بگذار همین طور باشد و صحبت را تمام کنیم برای همین بود که خواستم عرض کنم آنهایی که سطوح بالای برادران اهل سنت هستند و می دانند واقعاً دنیا برایشان خیلی غالب شده است و آنهایی که متفکر هستند می توانند تفکر بکنند واقعا این قضیه را باید بگویند و جلویشان را کسی نباید بگیرد برای این که تو روز قیامت آنهایی که می دانند بیشتر باید جواب بدهند.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

تشکر می کنم من از آقای سلطانی، خیلی وقت هست چند سالی هست یعنی شش هفت سالی هست که صدای شما را نشنیده بودیم .

### پیننده:

خدا شما را حفظ کند ان شالله.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهش می کنم جناب آقای دکتر سلطانی از برلین از دوستان هفت هشت دوازده سال قبل هستند ولی از این دوستانی که می گویند دوست پارسال آشنایی امسال خلاصه ما تشکر می کنیم از حضرتعالی و به خانواده ی مکرمه و دوستان خلاصه شیعه و سنی مان در برلین از قول ما سلام گرم برسانید.

### مجری:

آقای سلطانی ممنونم از شما ان شالله که موفق باشید آقای دکتر سلطانی عزیز

### پیننده:

خیلی ممنون تشکر می کنم. خدا حافظ

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

باور نمی کردم ایشان اینقدر بحث های علمی را ما شالله خیلی زیبا.

**مجری:**

پزشک هستند ظاهرا.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

پزشک هستند .

**مجری:**

خدا را شکر الحمدالله با این که در رشته ی پزشکی تحصیل کردند و صاحب نظر هستند الحمدالله در مباحث دینی هم اطلاعات بسیار خوبی دارند و الحمدالله در این زمینه هم صاحب نظر هستند.

آقای عزت آبادی از سیرجان بیننده ی بعدی ما هستند آقای عزت آبادی سلام و درود بر شما

**بیننده (آقای عزت آبادی از سیرجان - شیعه):**

سلام عرض می کنم خدمت شما جناب آقای اسماعیلی مجری محترم و همچنین حضرت آیت الله قزوینی عالم بزرگ دین که واقعا ما چهره شان می بینیم به خدا خوشحال می شویم

البته اولین بار هست که دارم با شبکه ام تماس می گیرم ولی خودم و پدرم ، و خواهر و همسر از بیننده های پرو پا قرص برنامه ی شما هستیم.

خدا کند مولا امیرالمومنین موفق و موید باشید خدمت شما عرض بشود همچنین حاج آقا فرمودند ما بحث بی احترامی نسبت به علما نداریم و نمی خواهیم در امت حضرت ابراهیم خلیل الله و حضرت محمد حبیب الله علیهم السلام تفرقه ایجاد بشود.

فقط خدمت بینندگان عزیز ما یک مطلبی چون شاگرد دارم نزد استاد درس پس می‌دهم عرض کنم در رابطه با القابی هست که برای خلیفه ی اول و خلیفه ی دوم آمده است گفتیم بالاخره یک صحبتی بشود خدای نکرده قصد اهانت نداریم در رابطه با حضرت ادريس نبی علیه السلام خداوند می‌فرماید

**(وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا وَ رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا)**

و در رابطه با بالاتر بخواهم حضرت ابراهیم بت شکن ، خداوند با آن پیغمبر را به عنوان صدیق معرفی می‌کند حالا آن دو انسان بزرگ دو تا انسانی هستند که بالاخره نبی، امام و صدیق هم به کسی می‌گویند یک معانی مختلفی دارند مفسرین قرآن اشاره کرده اند.

نمی‌خواهم وقت برنامه را بگیرم و حالا باز این که مثلا خلیفه ی اول را به عنوان مثلا صدیق اکبر یا عمر بن خطاب به عنوان فاروق اعظم اگر تمام بینندگانمان حتی برادران اهل سنت یک کم در مورد این موضوع بخواهند فکر بکنند یک کم تفکر بکنند می‌دانند که پیغمبر ما اصلا فرمود در این که در کتاب های اهل سنت هم هست کتاب سیره حلبی خدمت شما عرض بشود ج ۱، ص ۴۱۳ پیغمبر گرامی فرمود پس از من فتنه ای در میان شما پدید خواهد آمد در آن هنگام به دامان حضرت امیرالمومنین علیه السلام چنگ بزنید زیرا او نخستین کسی هست که در روز قیامت مرا خواهد دید و ما من دست می‌دهد او بزرگترین راستگویان هست و کسی هست که حق و باطل را از یکدیگر جدا می‌سازد او پیشوای مومنان هست و مال و ثروت پیشوای منافقان هست.

رسول مکرم صلی الله علیه و اله و سلم؛ اگر طبق وحی می‌گوید و اگر نبی و ما **ينطق عن الهوى** جز آن که وحی بهش برسد حضرت امیرالمومنین صدیق اکبر معرفی کرده است خوب در نتیجه فاروق اعظم مولا امیرالمومنین هست که در جنگ خندق روبه روی عمر بن عبدود ایستاد که پیامبر فرمود عبادت مولا علی در این روز ضربه شمشیرش برابری می‌کند با عبادت ثقلین یعنی جن و انس. آیا مولا امیرالمومنین بین حق و باطل فرق گذاشت یا نفرات دیگر که از جنگ فرار کردند؟ اگر امثال مولا علی نبود که هیچ ...

**مجری:**

آقای عزت آبادی ممنونم از شما ممنونم متشکرم خیلی لطف فرمودید تشکر و ان شالله که موفق باشید سلام به پدر، خواهر و همه ی اهل بیت و خانواده ای که همراه هستند با شبکه ی جهانی ولایت برسانید و تشکر می کنم از شما ، ان شالله باز فرصت بشود در برنامه ی بعدی بتوانیم خدمت شما باشیم.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

جالب این است بینندگان عزیز من همین دیشب بود دوستانمان که مطالب بعضی شبکه ها را تایپ می کنند برای من می فرستند آخر شب بود از همان موبایل داشتم می دیدم یک چیز خیلی عجیب دیدم، دیدم که همین آقایان کارشناسان شبکه ی شیطانی - صهیونستی می گوید آیا مردم این ها حتی به حرف ائمه خودشان هم نیستند

حالا به مناسب ایام شهادت امام رضا بود چه بود خوب آقا دین در کتاب برای عیون اخبار الرضا اسمش را هم بلد نبود بگوید ج ۲، ص ۸۳ یا ۸۴ می گوید از امام رضا سوال می کنند آقا اصحاب کالنجوم و ایهم اقتدیتم اهدیتم چی هست؟ امام رضا روایت صحیح هست از حضرت سوال کردند دعوا لی اصحابی به اصحاب من ناسزا نگوید گفت این روایت صحیح هست یک مقداری من یک لحظه گفتم آخر همچنین روایتی امام رضا بگوید همچنین روایتی صحیح هست چی هست قضیه؟ سریع کامپیوتر را روشن کردم که چی هست مسئله.

من قبلا در رابطه با یکی از این آقایان جناب آقای معرفت یک نقدی داشته ام من تصور کردم که همان روایت معانی الاخبار هست که پیغمبر اکرم می فرماید که اصحاب کالنجوم بایهم اقتدیتم اهدیتم سوال می کنند که اصحاب شما کی ها هستند گفت مراد از اصحاب اهل بیت من هستند تصور کردم آن روایت هست.

آدم دیدم که خیلی جالبه دوستان عزیز مانتیتور من را محبت کنند خیلی جالبه روایت حالا به صحت سند روایت من کار ندارم که اصلا روایت صحیح هست صحیح نیست چی هست؟ که معمولا روایانش سنی هست کاری به آن هیچی نداریم می گوید **سئل الرضا عن قول النبی اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهدیتم** سوال کردن حدیث اصحابی کالنجوم اصحاب من مثل ستاره هستند و به هر کدام اقتدا کنید هدایت می یابید و همچنین **دعوا لی اصحابی** اصحاب من را رها کنید به آنها ناسزا نگوید **فقال هذا صحیح** این روایت صحیح هست ولی ببینید این اول جمله هست **یرید من لم یغیر بعده و لم یبدل**، بابا، ننه ات خوب، بابات خوب آخه اینی که وقتی آدرس می دهی حالا الان که دیگر زمان سابق نیست تو آشپزخانه ی خانه ات را نشسته باشی برای زن و بچه

ات حرف بزنی و آنها در بسته حرف را از شما بشنوند این نرم افزار در اختیار همه هست و این در کتاب ها در اینترنت قرار گرفته است

آقا احساس نمی کند کسی بیاید ذیل روایت را بخواند آبروی و حیثیت می رود امام رضا می گوید بله اصحاب مثل ستاره هستند به هر کدام این ها اقتدا کنند هدایت می شوند ولی کدام اصحاب؟ اون اصحابی که بعد از پیغمبر تغییر نکنند بعد از پیغمبر بدعت گذار نشوند تبدیل نشوند.

بعد از حضرت سوال می کنند یابن الرسول الله ما از کجا بدانیم که این ها تغییر یافته اند یا تبدیل یافته اند حضرت همان روایتی که حدیث حوض که نقل می کنند که پیغمبر اکرم فرمود اصحاب من روز قیامت می آیند و از کنار حوض و این ها را از آنجا می برند به طرف آتش جهنم، پیغمبر می گوید خدایا اصحاب من اصحاب من! خطاب می آید که **لا تدری ما احدثوا بعدک**؟ نمی دانی که بعد از تو چه بدعت ها گذاشتند و من خلاصه می گویم **فیوخذ لهم** مرگ بر این ها یا آتش بر این ها باد

این همان عبارتی که آقایان در صحیح بخاری آوردند حدیث ۶۵۸۷ که همان بیت الافکار الدولیه هم که می گوید فردای قیامت اصحاب من می آیند آنجا و نمی گذارند بیایند طرف حوض می گویم کجا می بری و می گویند **الی النار** والله به طرف آتش جهنم می بریم به خدا سوگند قلت ما شأنه چه گناهی کرده اند قالوا انهم ارتدوا بعدک علی ادبارهم قهقهری بعد از تو یا رسول الله این ها مرتد شدند به همان دوران جاهلیت برگشتند حالا ما کاری نداریم مراد از ارتداد چیست؟ بحث ما سرجاش کردیم حضرت می فرماید:

### **فلا اراده بخلص منهم الا مثل هلم النعم**

جزء تعداد اندکی از این ها نجات پیدا نمی کنند خوب امام رضا سلام الله علیه اشاره دارد به همین حدیث حوض. این آقایان گویا نمی دانم حالا برایشان افرادی این ها را ایمیل می زنند یا چیز خودشان نمی روند ببینند روایت ها را، سریع می آیند با خیلی آب و تاب،

با ذوق و شوق و نمی دانم شیعه ها حتی حرف امام رضا را هم قبول ندارند امام رضا درباره ی صحابه این طور می گوید غیره می گوید ببینید آقایان بزرگواران زمان را درک کنید ما در عصر ارتباطات داریم زندگی می کنیم الان اینترنت، ماهواره دنیا را نه به صورت یک دهکده، به صورت یک خانه درآورده است



هر حرفی که ما می‌زنیم اشتباه باشد بلافاصله مخاطب می‌رود این را بررسی می‌کند نگاه می‌کند و اگر واقعا دروغ باشد بلافاصله می‌آید به ما زنگ می‌زند که آقا این روایتی که شما گفتید این است این است باز این آقایان می‌گویند بله قزوینی می‌آید صحیح بخاری ورق می‌نویسد و می‌گذارد لای کتاب جلدش رو به مردم نشان می‌دهد و ورقی را که خودش نوشته برای مردم می‌خواند.

**مجری:**

بسیار خوب، اما بیننده بعدی ما از عزیزان اهل سنت هستند از زاهدان آقا محمد علی آقا خدمتتان سلام عرض میکنم شب شما بخیر.

**بیننده (آقای محمد علی از زاهدان - اهل سنت):**

سلام علیکم به حضرت آیت اله قزوینی و کارشناس محترمشان.

**مجری:**

سلامت باشید خیلی متشکرم حضرت استاد کارشناس برنامه هستند در خدمتتان هستیم آقا محمد علی.

**بیننده:**

خوب هستید سلامتید؟ الله تعالی سلامت کند من از برادران همه ی تقاضا دارم و برنامه ی شما خیلی خوب هست ما دوست داریم .و ما زنگ نزدم به شبکه شما یک کمی استرس هم دارم.

**مجری:**

راحت باشید می‌توانید راحت صحبت کنید مشکلی نیست.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما مثل برادر شما هستیم آقای محمد آقا محمد علی عزیز .

**بیننده:**

حتما حتما.

می توانید دعوتم کنید به شبکه تان پیام جواب آن وهابی ها را بدهم.

### **آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

پیشانی شما را می بوسیم که اگر واقعا تشریف بیاورید اینجا جواب این وهابی ها را بدهید ما واقعا افتخار می کنیم.

**بیننده:**

قربانتون بروم قربانتون بروم آقای جناب آیت الله ان شالله دعوت می کنم توفیق بشود من می آیم .

### **آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

ایرادی ندارد ما در خدمت شما هستیم دوستان بزرگواری کنند و تلفن این عزیزمان را ثبت بکنند ما ان شالله از محضرشان استفاده می کنیم.

**مجری:**

آقای محمد علی اهل علم هستید

**بیننده:**

تا حدودی ان شالله زیاد که زیاد اهل علم نیستم ولی خوب تجربه ام یک کم.

**مجری:**

حالا تا بیاید که زمان می برد حالا همین الان تلفنی حداقل یک چیزی اگر می خواهید بهشان بگوید مشکلی ندارد از همین تریبون استفاده کنید.

**بیننده:**

حضورتان داعشی که اینجا قتل و عام می کند من داعش را محکوم می کنم در قرآن نیامده همچنین چیزی، داعش را محکوم می کنم دوما کسانی که در آنجا ظلم می کنند در عراق آدم ها را می کشند من محکوم می کنم آنها وهابی که ما با وهابی ها جدا هستیم.

### **مجری:**

درسته آقا محمد علی از شما ممنون هستم انشالله که موفق باشید و ما در خدمت شما هم انشالله خواهیم بود خدا نگه دارتان باشد اما بیننده ی بعدی ما هم با از بینندگان اهل سنت هستند آقای موسوی از سنندج، آقای موسوی سلام و درود به شما.

### **بیننده (آقای موسوی از سنندج – اهل سنت):**

بنده هم سلام عرض می کنم جناب آقای اسماعیلی و جناب آقای دکتر قزوینی.

جناب دکتر در مورد حدیث قرطاس که پیامبر می خواسته چی بنویسد این تا ابد مثل یک راز می ماند چون اصلا معلوم نیست شاید می خواسته فدک را به حضرت فاطمه بدهد اصلا معلوم نیست من این حرف را قبلا زدم خوب،

ما پیامبر بزرگوار در طول دوران عمر پر برکتشان چیزی حدود چهل و دو هزار بار بین مردم نماز خواندند ما الان هم نمی دانیم که ایشان دست باز یا دست بسته می خوانده ، الان چطور ما می دانیم که ایشان حرفی را که زده می خواسته چی بگوید این اصلا با عقل جور نیست.

### **مجری:**

آقای موسوی ما اصلا در مورد این که چی می خواستند بگویند پیغمبر صحبت نکردیم خودشان فرمودند که یک چیزی می خواهم بگویم که اصلا گمراه نشوید ما اصلا به محتوایش کاری نداریم فعلا.

### **آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

حتما فدک بوده حالا نمی دانم فدک اینقدر اهمیت داشته لایضلون و لا یضلون نه گمراه می شوند و نه گمراه می کنند بحث بحث خیلی بالای بود آقای موسوی بزرگوار.

**پیننده:**

خوب قبول اما این فدک هم یک کمی بین .

**مجری:**

یعنی اگر فدک را پیغمبر می نوشت یعنی هیچ کس گمراه نمی شد.

**پیننده:**

خوب این هم یکی از دلایلی بود که فاطمه با ابوبکر یک کمی چیز شدند یک کم قهر کردند یک چند ماه.

**مجری**

حالا آن بحثش جدا است خوب اگر نکته ای هست بفرمایید حالا آن اشاره به دست باز کردن و دست بسته کردند حالا آن هم بحث گسترده ای دارد استاد.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

بله در منابع اهل سنت نماز پیغمبر هم هست عزیز بزرگوار که پیغمبر اکرم چطوری نماز می خوانده است چطوری وضو می گرفت امیرالمومنین چطوری وضو می گرفته اهل بیت چطوری نماز می خواندند این ها همه چیزش هست.

به قول یکی از این بزرگواران، فقهای اهل سنت حالا الان نمی خواهیم نام ببرم می گوید آقا قرآن می گوید در وضو باید مسح کرد سنت می گوید مسح کرد چکار کنیم بزرگان ما، ائمه ما گفته اند شما بشورید ما ناگزیر هستیم از قرآن و سنت دست برداریم پایمان را بشوییم

خوب ببینیم اگر این نگاه باشد به کتاب و سنت خوب یک مقداری باید تجدید نظر کنیم در نگاهمان به کتاب و سنت اما اگر نه ما واقع گرا باشیم حقیقت نگر باشیم عزیز من این که باید خودمان را چه شیعه و چه سنی ما بارها می گوییم یک جوان شیعه به این که پدر و مادرم شیعه بوده، بزرگان ما شیعه بودند منم شیعه شدم این مشکلی را حل نمی کند برود خودش تحقیق کند بررسی کند به هر آنچه رسید عمل کند ولو این که خلاف عقیده اش باشد عزیز سنی هم به همین شکل باید باشد

## مجری:

آقای موسوی حالا ما کاری به محتوا نداریم که پیغمبر چی نوشته اند یا چی می خواسته اند بنویسند ولی این نوع برخورد از نظر شما درست هست به نظرتون.

## بیننده:

خوب این نوع برخورد. آخه اینی که شما می گوید آن نیست مثلا اینی که شما می گوید هذیان آن نیست ما در کتیبه مان هست که امیرالمومنین عمر می گوید پیامبر به علت بیماری سر سام دارد یعنی حالش خیلی به اصطلاح بد است.

## مجری:

حالا بگوییم مثلا آن تعبیر شما نباشد هذیان هم نباشد یعنی می شود پیغمبر یک حرفی به غیر از وحی بزند .

## بیننده:

خوب والله آخه نگاه کنید آقای اسماعیلی پیغمبر حالشان خیلی بد بود.

## مجری:

اصلا حالشان خیلی بد، تب هم داشتند پیغمبر، مگر قرآن نمی فرماید و ما [ینطق عن الهوی ان هو الا ما یوحی](#) هر چی می گوید پیغمبر در حال مرض در حال سلامت استاد روایتش را هم نشان دادند قبلا.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید آقای موسوی عزیز دوستان مانیتور من را محبت کنند ببینید ابن حجر هست ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری هست و آقایان اهل سنت می گویند اهل سنت کنار سفره ی چهار نفر نشسته اند ابن حجر، ذهبی و مزی و عراقی می گوید

[لأنه معصوم فی صحته و مرضه](#)

پیغمبر چه مریض باشد و چه غیر مریض باشد معصوم هست چرا؟ قرآن می گوید و ما [ینطق عن الهوی](#) هرگز پیغمبر از روی هوا سخن نمی گوید [ان هو الا وحی یوحی](#) ببینید خود پیغمبر هم فرمود

## انی لا اقول فی الغضب و الرضا الا حقاً

این دیگر ابن حجر عسقلانی نه یک عالم عادی از علمای خیلی بزرگ شماست همچنین بدر الدین عینی متوفای ۸۵۵ است می گوید:

### لانه معصوم فی کل حاله فی صحتہ و مرضہ

پیغمبر در هر حال معصوم است خوب پیغمبر فقط همین آخر عمر مریض شدند یا قبلاً هم مریض شده بودند قبلاً در بیماری هایشان روایت نقل کرده بودند آن وقت آقای موسوی بزرگوار عزیز دل من، من آن دفعه یک سوالی طرح کرده بودم گفتم آقا شما بیایید این حدیث برای شما عرض کنم ص ۱۷۴، ۷۱۳ و ۷۱۲ پیغمبر در همین بیماریشان فرمود به آقای ابوبکر بروید نماز بخوانند چرا نگفتند پیغمبر مریض هست

حالا اینی که دارد میگوید نه بابا ول کن بگذار ابوبکر نرود نماز بخواند الان بزرگان اهل سنت یکی از بزرگترین دلیل بر این که ابوبکر خلیفه هست از طرف پیغمبر، پیغمبر علی و دیگران را نفرست نماز بخواند ابوبکر را فرستاد نماز بخواند خوب این یک بام و دو هوا نیست آقای موسوی عزیز من ؟

### پیننده:

خوب این هم که شما می گوید پیغمبر تمام حرف هایش وحی بوده است پس حتما هم، آن هم که ابوبکر را پیشنهاد کرده است پس وحی بوده است آن را هم که شما می گوید تمام حرف های پیغمبر وحی بوده است

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

چرا شما آنجا نمی گوید پیغمبر مریض بوده است اینجا می گوید مریض بوده است آنجا یک نفر نیامد بگوید:

### ان رسول الله یهجر یا قد غلبه الوجع

آنجا همان بدون هیچ قضیه آقابان می پذیرند آن را، چرا اینجا نمی پذیرند.

### پیننده:

بله درسته، آقای قزوینی

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

جان دلم

**بیننده:**

اگر می شود یک سوال دیگر. شما در کنفرانس تکفیر فرمودید بسیاری از دوستان آمده اند با شما و آقای مکارم شیرازی عکس یادگاری انداختند خوب انداخته اند

خوب آقا هدف از این عکس فقط یادگاری و یا این را یک سعادت می دانید یا یک خوشبختی می دانند که مثلا در کنار شما هستند مثلا و بهتر این را یک فضیلت می دانند.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

نه به عنوان این که رفاقت و دوستی مثلا جناب آقای ساداتی امام جمعه ی محترم سراوان خوب اسمشان را شنیده بودم و ایشان از نظر اعتقادی با ما خیلی اختلاف زیادی داریم با ایشان، خوب ایشان آمد و خودش معرفی کرد و دست داد به ما و گفت من ساداتی هست گفتم امام جمعه محترم سراوان، خیلی هم با هم خوش و بش کردیم این ها به عنوان رفاقت و دوستی هست

این ها چه ما با آن ها عداوت نداریم و آنها هم با ما عداوت ندارند می خواهیم این را بگوییم ما، با همدیگر رفیق هستیم مثلا همین امروز بود که مصاحبه ی برای شما عرض کنم جناب آقای مفتی قاسمی را در یکی از سایت ها مطرح کرده بود در رابطه با کنگره من خواندم واقعا لذت بردم با این که همه می دانند ایشان به قولی نود درصد تفکرشان با ما مخالف هست و ما هم نظرمون با ایشان مخالف هست

ولی من امروز دیدم یک بحث خیلی قشنگ تجلیلی از کنگره کرده بودند و حال آن کسی که سوال میکرد معلومه یک مقداری با حالا نمی خواهیم بگوییم شیطنت که توهین بشود یعنی دنبال این بود که یک مطلبی علیه کنگره و علیه شیعه بگیرند ایشان خیلی زیبا هم از قم تجلیل کرد و هم از مراجع شیعه تجلیل کرد و هم در رابطه با قضیه ی تکفیر،

حالا یک فرمایشی ایشان داشته است که ما صد در صد رد می کنیم ایشان می گوید بر این که این قضایایی که امروز مطرح است این بحث تکفیر نیست برای این که حقوق این ها ضایع شده است این را ما بارها اینجا گفته ایم این فرمایش صد در صد اشتباه است در سوریه از این هشتاد و سه چهار کشوری که آمدند آنجا از فرانسه، آلمان، نمی دانم چچن و گرجستان آمده اند آنجا این ها چه حقی داشتند آنجا که ضایع شده اند

یا این هایی که از عربستان و غیره دارند در عراق می جنگند چه حقی از این ها ضایع شده، چه ظمی خوب این آقای بشار اسد ظلمش فقط این سه چهار سال شروع کرده است یا الان ده پانزده سال هست که ایشان پادشاه آنجا، رئیس جمهور قبل از اون هم باباش بوده است چطور این آقایان در زمان صدام ظلم بیشتر بود یا زمان نوری مالکی بیشتر بود

چرا آن زمان این آقایان قیام نکردند و اضافه ما همین جا به جناب آقای مفتی قاسمی عزیز و بزرگوار از دور ما پیشنهادش را هم می بوسیم احترام هم می گذارم به ایشان، ایشان را واقعا مرد فاضل و صاحب فضل می دانم

از ایشان من سوال می کنم به ما جواب بدهند آیا نباید در هر کشوری تعیین سرنوشت به عهده ی خود مردم باید باشد؟ خوب بابا در سوریه آمده اند انتخاب برگزار کردند اکثریت مردم نظرشان چی بود؟

خوب آیا این را شما خلاف دموکراسی می دانید حالا اکثریت می گویند ما این بابا را می خواهیم ظالم هست می خواهیم عادل هست می خواهیم در عراق آمده اند انتخابات برگزار کرده اند اکثریت با همین آقای نوری مالکی بودند مردم آمدند رأی دادند تحت اشراف مراکز بین المللی هم آمدند و یک نفر از مخالفین نگفتند در انتخابات تقلب شده است

وقتی ما برای رأی مردم ارزش قایل نیستیم برای یک اقلیت فتنه گر، یک اقلیت توطئه گر که این ها از خودشان هم اراده ندارند عروسک کوکی عربستان سعودی و انگلیس و صهیونیست و آمریکا هستند یک مقدار از این بزرگوارمان تقاضا می کنیم واقعیت را، ولی یک جمله ی قشنگی ایشان داشت من خیلی خوشم آمد گفت این ها ما به عنوان یک تکفیری مطرح نیست این ها از تکفیر به عنوان یک اسباب استفاده میکنند

فرمایشتان را من صد در صد قبول دارم این ها از اول نمی آیند بگویند آقا شما کافر هستید این ها می خواهند بکشند کاری ندارند کافر هست یا نیست از این به عنوان حربه استفاده می کنند این فرمایش این بزرگوار کاملا قبول هست و لذا جناب آقای موسوی عزیز بحث ما با بزرگواران اهل سنت می خواهیم بگوییم آقا با هم رفاقت داریم با این که اختلاف هم داریم با همدیگر، ولی در



یک جلسه ای که می نشینیم با همدیگر دست می دهیم می گوئیم می خندیم با همدیگر برای شما عرض کنم چای می خوریم نوشابه می خوریم ما حرفی هم نداریم.

### مجری:

آقای موسوی ممنونم از شما ان شالله موفق باشید تشکر از تماس شما خدانگه دارتان باشد اما بیننده ی بعدی ما محمد آقا از بندرعباس هستند که از عزیزان شیعه ی ما هستند محمد آقا سلام بر شما.

**بیننده (آقا محمد از بندرعباس - شیعه):**

بسم الله الرحمن الرحيم بنده هم سلام عرض می کند خدمت شما جناب آقای اسماعیلی و حضرت آقا استاد بزرگوار. عرضم به حضور مبارکتان در ابتدا می خواستم اجازه بگیریم حضرت استاد یک البته درس پس میدهم خدمت ایشان می خواستم بینم ما می توانیم نتیجه بگیریم از حدیق ثقلین و یک آیه ای هست فکر میکنم در سوره ی واقعه هست که خداوند سوگند یاد می کند به مواقع نزول ستارگان و در آخر می فرماید که

**(إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ)**

و از اینجا ما به اصطلاح پیغمبر فرمود که ما تمسک بجوییم به قرآن و عترت در این آیه هم می فرماید قرآن را فقط مطهرون به اصطلاح می توانند دسترسی پیدا بکنند و در آیه ی تطهیر هم که خداوند کریم اهل بیت را به اصطلاح مطهرون تطهیر کرده اند و مطهر اعلام کرده اند و از اینجا ما می توانیم نتیجه بگیریم در بحث با عزیزان اهل سنت بتوانیم به این آیات استدلال بکنیم که مطهرون واقعا اهل بیت هستند و حدیث شریف ثقلین.

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**

کاملا فرمایشتان درست هست. صد در صد درسته و ما روایت متعددی داریم در ذیل **لا یمسه الا المطهرون** که مراد از مطهرون اهل بیت علیهم السلام هستند این فرمایش کاملاً درسته.

**بیننده:**

یک عرض دیگری هم داشتیم خواهش می‌کنم در فرمایشات حضرت استاد بود در ابتدای بحثشان به اصطلاح که فرمودند پیغمبر اکرم در قضیه‌ی توسل در یکی از روایات اهل سنت فکر می‌کنم بود که به اصطلاح این چنین برداشت می‌شد که حضرت رسول اکرم صلوات الله علیه و آله آن گوینده‌ی این که **انه لیهجر** را رد کرده است یعنی می‌شد که برداشت بکنی که پیامبر ایشان را رفض کرده اند یعنی ایشان را از خود راندند

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

نه رفضها، رفض کتاب ضمیرها به کتابت بر می‌گردد و فاعل رفض را پیغمبر بگیریم یک معنا پیدا می‌کند خلیفه‌ی دوم بگیریم یک معنای دیگری پیدا می‌کند.

### بیننده:

یعنی الان عذر می‌خواهم سوال ما این است که من یعنی ما می‌توانیم برداشت کنیم که پیغمبر به اصطلاح ایشان را طرد کرده، گویندگان را کلا

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

نه نه، رفض کتاب. نه نه به همگیشان گفتند **قوموا عنی**، برای طرد همه کلمه‌ی **قوموا عنی** یعنی از پیش من بروید بیرون یا تعبیری که آقایان دارند **قوموا مبتدعین عنی** یا **قوموا مبعدين عنی** بروید دور شوید از من این تعبیر بود آنجا اینجا نیازی نبود اینجا به ظاهر فاعل رفض نبی مکرم است و ضمیرها هم به کتابت بر می‌گردد

### مجری:

آقای محمد آقای عزیز از شما ممنون هستم تشکر از تماس شما، با شما خداحافظی می‌کنم و البته عذر خواهی می‌کنم از همه‌ی عزیزانی که شاید تلاش کردند ارتباط برقرار کنند ما صدایشان را بشنویم اما امکان نداشت البته باز هم دارم نگاه می‌کنم خیل پیامک‌هایی که گسیل شده به برنامه‌ی زنده‌ی حبل المتین و عزیزانی که مهربانی کردند و همراهی کردند از تک تکشان ممنون و سپاسگزار هستم حضرت استاد حسن ختام دعا بفرمایید ضمن این که عزیزانی هستند که خیلی التماس دعا گفته اند از جاهای مختلف.

## آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

خواهش می کنم من الان یکی از عزیزان پیامک برای من داده بود که در این شبکه های شیطنانی دیشب هم من داشتم می خواندم گفتم بله این آقایانی که آمده بودند آدم های گرسنه بودند آمدند اینجا خلاصه از این پرتغال لبنانی و آن اوایل هم ما پخش کردیم کلیپشان را و افرادی را آوردند که اصلا بلد نبودند روی فرش راه بروند آمده بودند روی فرش راه می رفتند ما یک آدم درست و حسابی بین این ها ندیدیم

حالا من نمی دانم همین آقایانی که از زاهدان آمده بودند آیا همین دو سه نفر مثل جناب آقای مفتی قاسمی و آقای مولانا عبدالحمید و غیره و این ها از دیدگاه شما این ها آدم درست و حسابی نبودند که ندیدید یا نه یا نبودند یا ما ندیدیم با این تعبیر، دیگه به قول یکی از این آقایان که می گوید ما که اومدیم فقط پذیرایی کردیم کار بدی کردیم مهمان نوازی کردیم کار بدی کردیم نه الحمدالله رب العالمین همین کنگره اثر خودش را در جهان گذاشته و این که الان شبکه های وهابی با شبکه های برای شما عرض کنم لوآنجلسی و غیره، همه دست به دست هم داده اند علیه این کنگره، علیه حضرت آیت الله مکارم شیرازی دارند این همه جسارت و اهانت می کنند معلوم می شود که خلاصه اثر خودش را گذاشته و این ها دارند می سوزند و از سوزشان هست که این همه اهانت ها را می کنند.

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان نزدیک بگردان، قلب نازنینش را با ظهورش مسرور بگردان. قلب منتظرانش را با آمدنش شاد بگردان، خدایا با آبروی محمد و آل محمد همه گرفتاران به ویژه عزیزان بیننده بفرما، خدایا به آبروی محمد و آل محمد بر همه بیماران، بیماران مورد نظر، بیمارانی که التماس دارند و انتظار از آمین و دعاهای ما دارند خدایا به آبروی محمد و آل محمد بر همه ی بیماران لباس عافیت بپوشان.

خدایا حوائج حاجتمندان روا نما، حوائج ما، حوائج عزیزان دست اندر کار شبکه جهانی ولایت حوائج بینندگان عزیز آنهایی که تکرار برنامه را می بینند مخصوصا عزیزان ولایت یار ما و عزیزان اهل سنت ما که قلبشان با ما هستند و جزو ولایت یاوران هستند خدایا به آبروی محمد و آل محمد حوائج همه و همه را برآورده بفرما دعاهای ما را به اجابت برسان.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

## مجری:

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم از توجه و عنایت و همراهی تک تک شما بینندگان خوب و دوست داشتنی شبکه جهانی ولایت برنامه ی زنده ی حبل المتین ممنون و سپاسگزار هستم در حق همدیگر دعا کنیم و تشکر از عنایتتان.

یا علی مدد خدا حافظ